



تاریخ
<b>۱۲</b>
آذر
<b>۱۳۹۶</b>
یک‌شنبه

## جلوگیری از بارداری در فقه اسلامی و نظر فقها با محوریت قرآن و روایات و افزایش جمعیت

**نویسنده: شکرالله جهان مهنین، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چهرم**

**مقدمه**

شعار زندگی بهتر یا فرزند کمتر و نیز زندگی راحت‌تر با فرزند کمتر از دو سه دهه، اخیر قبل از انقلاب اسلامی در جامعه ایرانی رخ گشود و به‌خاطر حمایت وسیع و همه‌جانبه دولت استعماری خودفروخته ستم‌شاهی در زمانی کوتاه شعار گسترش یافت و عملی گشت تا حدی که شعار غلط به یک نظریه علمی معروف شد و بعد از انقلاب نیز روند آن‌یکی دو دهه با شدت بیشتری پیش رفت به‌خصوص در بین خانواده‌های مرفه و خانواده‌هایی که خانم آنان کارمند و شاغل بودند.

اما در دهه اخیر اکثر صاحب‌نظران اجتماعی و دینی متوجه عیب‌ها و نقص‌ها و پی آمدهای آن شعار یا نظریه شدند به‌ویژه از نظر کاهش جمعیت و خطر پیری جامعه لذا اندیشمندان آگاه به‌نقد آن نظریه پرداختند ولی هنوز در بین طرفداران و نقدان نظریه کاهش فرزند مقالات و سخنرانی‌ها و حرف‌های زیادی ردوبدل می‌شود. و دراین‌بین نگارنده بر اساس آیات و روایات و نظرات و فتوای فقهای معاصر موضوع کنترل یا افزایش تولید فرزند را تعقیب نمود و به نوشتن مقاله حاضر اقدام کرد.

طرح مسئله
آیا شعار زندگی بهتر یا فرزند کمتر شعاری منطقی و علمی و دینی است یا برعکس شعاری نادرست و به گفته بعضی‌ها شعار استعماری است.

**شرح**

بدانیم که اولین و مهم‌ترین وظیفه انبیاء در انجام مسئولیت نبوت و رسالت خویش سالم‌سازی اندیشه‌هاست که از طریق زدودن کفر و شرک و جلوه‌های آن‌ها از اذهان بشر و جایگزین کردن توحید و یکتاپرستی و ابعاد آن در روح و اندیشه انسان عملی می‌گردد که فرمود:

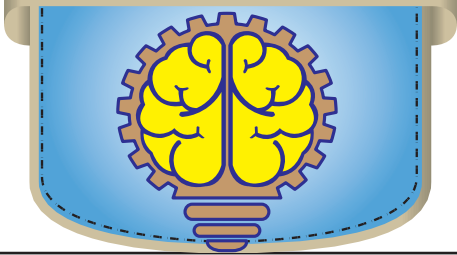
## ضرب‌المثل‌های جهان

## اگر عیوب خودمان را به‌خاطر داشته باشیم، عیوب دیگران را از یاد می‌بریم.

صفحه
<b>۵</b>
شماره
<b>۲۱۱۷</b>
سال
<b>بیست و سوم</b>

**عبری**

### اندیشه



### عقب‌ماندگی ذهنی

**احسان کشت‌ورز کندازی، دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان شیراز، تحت نظر دکتر سید عبدالرحمن اعتماد**

**مقدمه**

در بین کودکان استثنایی، یعنی افرادی که به لحاظ ویژگی‌های خاص ذهنی، جسمی، عاطفی و روانی در برخورداری مطلوب از تسهیلات و امکانات مختلف جامعه، آموزش‌وپرورش و… نیازمند توجه و حمایت فوق‌العاده می‌باشند، کودکان عقب‌مانده ذهنی به‌واسطه‌ی پیچیدگی خاص هوش و عقب‌ماندگی هوشی جایگاه قابل‌ملاحظه‌ای دارند. علیرغم آنکه تاکنون بیش از دو هزار علت برای عقب‌ماندگی ذهنی عنوان گردیده است، اما هنوز بسیاری از علل عقب‌ماندگی ذهنی ناشناخته مانده است. طبق آمارهای مختلف که مبتنی بر تحقیقات و مطالعات فراوان است. حدود سه درصد از کل کودکان و دانش آموزان سنین مدرسه‌ای به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای دچار عقب‌ماندگی ذهنی بوده‌اند. لذا لزوم شناخت این قبیل کودکان و آشنایی هر چه بیشتر با علل وقوع عقب‌ماندگی ذهنی و از همه مهم‌تر روش‌های پیشگیری از آن امری کاملاً واجب و اجتناب‌ناپذیر است.

تاکنون در هیچ‌یک از کتاب‌هایی که در مورد عقب‌ماندگان ذهنی نوشته‌شده است تعریف جامع و کاملی که مورد تأیید همه یا اکثریت متخصصین فن باشد ذکر نشده است و این مسئله بیشتر به خاطر پیچیدگی ماهیت عقب‌ماندگی ذهنی است. نمی‌توان عقب‌ماندگی ذهنی را به‌صورت یک پدیده مطلق تعریف کرد، بلکه بایستی عقب‌ماندگی ذهنی را به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی که وجوه آن به فیزیولوژی، روان‌شناسی، پزشکی، تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی محدود می‌گردد، موردبررسی قرارداد (داورمنش،۱۳۷۶).

در این مختصر به چند تعریف اشاره می‌شود:
•انجمن آمریکایی نقص ذهنی، عقب‌ماندگی ذهنی ناظر است بر عملکرد عمومی هوش که به‌طور معنی‌دار پایین‌تر از حد متوسط است و به‌طور هم‌زمان، همراه با نواقصی در رفتار

### «کتاب و کتاب‌خوانی»

۱. می‌گویند روزی رهگذری، مردی کشاورز را مشاهده کرد که در بیابان ریگ و قله‌سنگ جمع می‌کند، با شگفتی اندیشید؛ مگر قرار است قحطی قله‌سنگ در شهر بیاید و یا تازگی قله‌سنگ قرب و قیمتی یافته و او بی‌خیر است! به او نزدیک شد و پس از جاق‌چالستی، از او پرسید: می‌شود بفرمایی قله‌سنگ را برای چه می‌خواهی؟! شاید بتوانم کمکم کنم!

مرد نگاه عاقل اندر سینه‌ی به او انداخت و شاید با خود گفت: این مزاحم از کجا پیدایش شد!

مرد خم شد و به کمکش تعدادی قله‌سنگ داخل خورجین مرد کشاورز ریخت. اعتماد مرد کشاورز جلب شد و به سخن آمد: همان‌طور که می‌بینی یک تای خورجین را پر از گندم کرده‌ام، این‌گونه نمی‌شود آن را بار الاغ کرده، مجبورم در ازاء یک تای خورجین را پر از قله‌سنگ کنم تا تعادل و بالانس! حفظ شود…

مرد لبخند زد: پدرآموزید! لازم به این کار نیست، اگر گندم‌هایت را نصف کنی و هر کدام را داخل یک تای خورجین بریزی نه لازم است زحمت قلهه جمع‌کردن به خودت بدهی و نه خرت از بار سنگین‌تر، بیهوده اذیت می‌شود!

مرد با شگفتی او را نگریست: آفرین بر عقل و هوش! چرا تا‌به‌حال به ذهن خودم نرسیده بود، مرا باش که هرسال این کار را انجام می‌دهم؛ و شروع کرد به خالی کردن سنگ‌ها از خورجین و در همین حین از او پرسید: تو با این هوش و درایت باید مرد ثروتمندی باشی؟!

از ثروت و دارایی‌هایت بگو تا ببینیم من ثروتمندتر هستم یا تو!

مرد این بار قهقهه زد: ثروت؟! من آه ندارم که با ناله سودا کنم، خواستم بگویم اگر کارگر می‌خواهی بیایم خدمت!

کشاورز با عصبانیت از جایش بلند شد: برو گم شو تا ریختن را نبینم! من با این بی‌عقلی کلی مکتب و ثروت دارم، کلی ملت جلوم دولا و راست می‌شوند آن‌وقت تو با این خردمندی آس و پاس هستی؛ برو تا

**علی حانمی، ع. آبدین**



تعداد محدودی وجود دارد؛ جایی خواندم در برخی از شهرهای مغرب زمین، صنف‌های مختلف هم برای خود برنامه‌ی کتاب‌خوانی دارند که در برخی روزهای هفته دورهم جمع می‌شوند.

۴. سال‌ها پیش دریکی از مسافرت‌هایم به تهران و خیابان انقلاب که از مراکز مهم کتاب‌فروشی‌های پایتخت است، مشاهده کردم برخی از کتاب‌فروشی‌ها برخلاف اغلب آن‌ها که کم رونق و خلوت بودند، شلوغ و پرتراffیک است! بسیار باعث شگفتی کم‌ناب ناشرین کتاب‌های کمک‌آموزشی برخلاف بقیه در روغن باشد و با تغییر هر از چند سال یک‌بار کتاب‌ها و گاه نظام آموزشی، رونقشان روزافزون هم می‌شود! امیدوارم این تغییر زودبه‌زود کتاب‌های ناشرین کتاب‌های کمک‌آموزشی را به‌احتمال‌زیاد به نان و نوابی می‌رسند! اما قطعاً مطالعه کتاب‌های خوب، کیفیت زندگی انسان را افزایش می‌دهد و در درازمدت باعث توسعه انسانی و فرهنگی روزافزون مملکت و خوشبختی و سرفرازی ملت خواهد شد!

۴. یکی از پیشنهادهایی که برای توسعه‌ی فرهنگ کتاب‌خوانی می‌توان داشت، ایجاد حلقه‌های کتاب‌خوانی و نقد و معرفی کتاب است که البته در کتاب‌خانه‌های عمومی به

تکبیت مرا هم فرانگبرد و نشست به دوباره جمع کردن قله‌سنگ…

۲. یکی از اساتید فرموده بود؛ ما ایرانی‌ها ازنظر پیشینه‌ی تاریخی بیشتر ملتی شفاهی هستیم، قهص‌گو و اهل سخنرانی و داد سخن ادا کردن ولی در مطالعه و نوشتن اغلب کتیمتیمان لنگ می‌زنند! چه تعداد تاریخ‌نویس بی‌طرف و بی‌غل‌وغش و غیر درباری! در طول تاریخمان سراغ داریم؟!

از کدام‌یک از بزرگانمان در فرزانتگی و دانش و ادب قرون گذشته، زندگی‌نامه و تاریخی متنقن و قابل‌اعتماد جز اندکی در دست است؟!

۳. حقیقت گاه تلخ است باید بپذیریم که در مقایسه با ملل متمدن امروز، مردمی کم‌تر اهل مطالعه هستیم و جای هیچ تعارف نیست که گاه گویا از افراد کتاب‌خوان‌هم گریزانیم و او را به دیده‌ی انسانی بیمار آن‌هم از نوع واگیردارش می‌نگریم؛ در مطالعه و کتاب را عمل و کالایی لوکس

<sup>[1]</sup> یکی از اساتید فرموده بود؛ ما ایرانی‌ها ازنظر پیشینه‌ی تاریخی بیشتر ملتی شفاهی هستیم، قهص‌گو و اهل سخنرانی و داد سخن ادا کردن ولی در مطالعه و نوشتن اغلب کتیمتیمان لنگ می‌زنند! چه تعداد تاریخ‌نویس بی‌طرف و بی‌غل‌وغش و غیر درباری! در طول تاریخمان سراغ داریم؟!

<sup>[2]</sup> از کدام‌یک از بزرگانمان در فرزانتگی و دانش و ادب قرون گذشته، زندگی‌نامه و تاریخی متنقن و قابل‌اعتماد جز اندکی در دست است؟!

<sup>[3]</sup> حقیقت گاه تلخ است باید بپذیریم که در مقایسه با ملل متمدن امروز، مردمی کم‌تر اهل مطالعه هستیم و جای هیچ تعارف نیست که گاه گویا از افراد کتاب‌خوان‌هم گریزانیم و او را به دیده‌ی انسانی بیمار آن‌هم از نوع واگیردارش می‌نگریم؛ در مطالعه و کتاب را عمل و کالایی لوکس

<sup>[4]</sup> از کدام‌یک از بزرگانمان در فرزانتگی و دانش و ادب قرون گذشته، زندگی‌نامه و تاریخی متنقن و قابل‌اعتماد جز اندکی در دست است؟!